

استقرارهای دوره مس سنگی حوضه آبریز گاورود در شرق زاگرس مرکزی

حمید حریریان*، دکتر عباس مترجم** و دکتر مرتضی حصارى***

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران پیش از تاریخ، دانشگاه بوعلی سینا همدان

** دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

*** دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

چکیده

دشت میان کوهی گاورود با ۹۸۵ کیلومتر مربع مساحت در قسمت شرقی زاگرس مرکزی در شمال شهرستان سنقر به لحاظ دارا بودن شرایط زیست‌محیطی مناسب استقرارهای زیادی در دوران روستانشینی (مس سنگی) را در خود جای داد است. ارتباط فرهنگی این دشت همواره با حضور گونه‌های سفالی منطقه‌ای (گودین)، سه‌گابی و دالمایی آشکار و همچنین تکامل و همزمانی فرهنگ‌های مس سنگی این منطقه با زاگرس مرکزی با توجه به میان کوهی بودن این دشت نمایان است. در این پژوهش به تحلیل عوامل زیست‌محیطی مرتبط با الگوی استقراری پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب محل استقرار در دشت گاورود تابع شرایط مناسب زیست‌محیطی، آب و هوایی و قابلیت زمین بوده است. بر این اساس می‌توان دریافت که تراکم زیاد منابع آبی نظیر چشمه‌ها و سراب‌ها در دره‌های میان کوهی در گستره گاورود و پراکندگی آن‌ها، شرایط مساعدی را برای شکل‌گیری جوامع مس سنگی فراهم آورده است. همچنین به نظر می‌رسد نفوذ فرهنگ فرامنطقه‌ای دالما توانایی این دشت را در تامین مایحتاج زندگی آشکار و وارد عرصه ارتباطات فرامنطقه‌ای می‌کند.

واژگان کلیدی: زاگرس مرکزی، سنقر و کلیایی، حوضه آبریز گاورود، الگوهای استقراری، دوره مس و سنگ.

درآمد

خوش ساخت و اغلب نخودی‌رنگ، نظیر ظروف حلف و عیید نمایان می‌گردد. نقوش سفال‌ها و ابزارهای مورد استفاده در این عصر از یک سو گواهی بر ارتباط جوامع و از سوی دیگر نشان‌دهنده اقتصاد پیشرفته در این دوره است. در این بین تحلیل روابط میان جوامع بشری و محیط زیست و شکل‌گیری و دگرگونی الگوهای استقراری و نقش زیست‌بوم یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در مطالعات باستان‌شناسی است. فاگان اشاره دارد که پراکندگی منابع طبیعی در محدوده محیط یکی از شاخصه‌های عمده انگاره‌ای سکونت محسوب می‌شود

فرهنگ‌های مس سنگی ایران به طور میانگین اواسط هزاره پنجم تا اواخر هزاره چهارم ق.م (حدود ۴۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م) را دربر می‌گیرد (طلایی، ۱۳۸۸: ۵). این دوران به طور کلی گذر از ساختارهای ساده اجتماعی دوره نوسنگی به پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی با تغییراتی چون استقرار دائم، کشاورزی، دامداری، پیشرفت‌های اقتصادی و توسعه شبکه‌های تجاری و پیدایش مشاغل تخصصی را در بر می‌گیرد (Henrickson, 1992: 278-282). غالباً در دوره مس سنگی سفال‌های منقوش

در ادامه کار با استفاده از نرم افزار GIS به بررسی عوامل تاثیرگذار زیست‌محیطی در شکل‌گیری زیست‌گاه‌های عصر مس‌سنگی در پاسخ به شرایط محیط زیستی منطقه مورد مطالعه پرداخته شد. بدین ترتیب این امکان فراهم آمد تا با تحلیل مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر سیمای طبیعی سرزمین شامل متغیرهای ارتفاع، شیب، وسعت، مسافت نسبت منابع آبی و نسبت به یکدیگر، الگوی استقرار یکی از فازهای جوامع پیش‌ازتاریخ یعنی دوره مس‌سنگی در دشت گاورود مورد بررسی قرار گیرد.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

شهرستان سنقر و کلیایی از توابع استان کرمانشاه با مساحتی حدود ۲۳۲۰ کیلومتر مربع در شمال شرقی استان کرمانشاه بین ۴۷ درجه و ۲ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۶ دقیقه عرض شمالی و ارتفاع ۱۷۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است. این شهرستان از شمال و شمال غربی با استان کردستان، از شرق با شهرستان اسدآباد و از جنوب با شهرستان‌های کنگاور و صحنه همسایه است (شکل ۱). سنقر از لحاظ ریخت‌شناسی^۱ در ناحیه‌ای کوهستانی واقع شده و با کوه‌های مرتفع، محصور شده است. در نواحی شمالی و مرکزی آن روند ناهمواری‌ها غربی-شمال غربی و شرقی-جنوب شرقی است ولی مناطق جنوبی و جنوب غربی آن از روند اصلی زاگرس، شمال غربی-جنوب شرقی، تبعیت می‌کند (حیدریان، ۱۳۸۸). میانگین بارش سالیانه ۵۵۶ میلی‌متر و میانگین دمای ۱۳ درجه سانتیگراد (مویدی، ۱۳۸۸) نشان می‌دهد این شهرستان از نظر اقلیم دارای آب و هوای سرد و ییلاقی بوده و بر اساس تقسیم‌بندی اقلیمی دارای اقلیم نیمه‌خشک و استپی خنک است (حیدریان، ۱۳۸۸). از مهم‌ترین منابع آبی این حوزه جغرافیایی می‌توان به رودهای گاورود و جامیشان اشاره نمود. رودخانه گاورود به مثابه یک شریان حیاتی زهکش طبیعی در دشت گاورود از کوه‌های شمال سنقر سرچشمه گرفته، سپس در استان کردستان با سیروان مخلوط گشته و در نهایت از کشور خارج شده و به دجله می‌پیوندد. دیگر رودهای این منطقه جزو حوزه آبریز داخلی یا حوزه سیمره محسوب می‌شوند.

(فاگان، ۱۳۸۲). به عنوان مثال تفسیرهای انتخاب محل استقرار تابع شرایط مناسب جوی و قابلیت زمین بوده است و محیط به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده قابلیت سرزمین، می‌تواند گسترش پاره‌ای از ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی را محدود کرده (Smite, 2009)، و یا برخی استقرارها را نیز از بین ببرد. از سوی دیگر دگرگونی‌های فرهنگی هم دقیقاً ناشی از تأثیرات متقابل جامعه و محیط زیست است (Abdi, 2002: 90). در پاره‌ای مواقع این تأثیرات می‌تواند یک‌جانبه بوده و نقش روابط میان جوامع کم‌رنگ‌تر باشد و بدین ترتیب پراکنش استقرارها، بیش‌تر به ویژگی‌های منابع محیط زیست و غذایی زمان خود وابسته گردد تا به ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی. برای نمونه جوامع دامدار همیشه به مراتب و منابع آبی وابسته‌اند و در پاسخ به شرایط محیط زیست، تولید خوراک و سایر عوامل اثرگذار بر معیشت این جوامع متغیر خواهد بود. پژوهش حاضر حاصل بررسی و بازنگری یافته‌های باستان‌شناسی است که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد یکی از نگارندگان در حوضه رودخانه گاورود به انجام رسیده (حیدریان، ۱۳۹۰) و سعی شده متغیرهای تاثیرگذار بر نحوه مکان‌گزینی استقرارها و خصوصاً نقش زیست‌بوم مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور حوضه رودخانه گاورود در شمال شهرستان سنقر که سرچشمه آن در حوضه سیاسی شهرستان اسدآباد در استان همدان قرار دارد، مورد بررسی میدانی قرار گرفت. شیوه بررسی در این مطالعه به این صورت بود که راه‌های اصلی با استفاده از موتور سیلکت طی و سپس حوضه سرشاخه‌ها و رودخانه گاورود به صورت پیمایشی بصورت جدولی و با پای پیاده طی گردید. در نتیجه این بررسی تعداد ۲۹ محوطه با یافته‌های سفالی شاخص دوره مس‌سنگی منطقه شرق زاگرس مرکزی شناسایی شد. در تحلیل اولیه مشخص گردید که از این تعداد زیست‌گاه حداقل ۲۵ محوطه قبلاً طی بررسی‌های متعدد منطقه شناسایی شده بودند (حیدریان، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸)، لکن چهار محوطه هم برای نخستین بار شناسایی شدند. لازم به ذکر است تنوع سفال‌های منقوش، آشپزخانه‌ای، بقایای استخوان حیوانی و فراوانی زغال و خاکستر به همراه لایه‌های آواری در محل برش‌های ایجاد شده در نهشته‌های این محوطه‌ها نشانه آشکاری از زیست‌گاه بودن این محوطه‌ها بودند.

پیشینه تحقیقاتی

غلامرضا معصومی اولین کسی است که به بررسی این شهرستان در سال ۱۳۵۷ پرداخت. طی این بررسی ۱۶ محوطه استقرار ثبت شد و در این بین تپه گرده تنها محوطه معرفی شده از دوره مس‌سنگی است (معصومی، ۱۳۸۳: ۱۹۰). حفاری نجات‌بخشی یوسف مرادی در تپه جنانی که در سال ۱۳۸۰ انجام شد، دیگر فعالیت باستان‌شناختی منطقه است (مرادی، ۱۳۸۰)، که هنوز نتایج آن منتشر نشده است. مهم‌ترین فعالیت باستان‌شناختی منطقه بررسی‌های حیدریان در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ است که طی آن ۲۸۶ محوطه و اثر ثبت شد و گامی مهم در شناخت محوطه‌های منطقه مورد مطالعه برداشته شد. وی همچنین در راستای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، تپه خدایی را مورد بررسی روشمند قرار داد (حیدریان، ۱۳۸۵). دیگر پژوهش‌های منطقه، بررسی غارها و پناهگاه‌های سنگی منطقه توسط امیر بشکنی (بشکنی، ۱۳۸۸) است. همچنین در سال ۱۳۹۵ سه محوطه نادعلی‌بیگ (بحرانی‌پور، ۱۳۹۵)، جوب خاتون (خانمرادی، ۱۳۹۵) و محوطه فرامرز (حیدری، ۱۳۹۵) مورد کاوش و لایه‌نگاری قرار گرفتند که هنوز گزارشی از آن‌ها چاپ نشده است.

الگوی استقرار در دشت سنقر و کلیایی

بر اساس گزارش‌های باستان‌شناسی دشت سنقر از دیرباز تاکنون مورد توجه جوامع مختلف بوده است. با توجه به ابزارهای بدست آمده حاصل از بررسی در دشت سنقر (بشکنی و دیگران، ۱۳۸۸)، غار بهلول را استقرار از دوره پارینه سنگی میانی معرفی می‌نمایند. حیدریان طی دو فصل بررسی (حیدریان، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸) در سه محوطه شیخ جلیل، چخماق‌تپه‌سی و نادعلی‌بیگ آثار دوره نوسنگی، در ۳۵ محوطه آثاری از مراحل سه‌گانه مس‌سنگی (قدیم، میانی و جدید)، در ۲۲ محوطه آثار عصر مفرغ و ۴۶ محوطه را مربوط به عصر آهن معرفی و ثبت نمود. حضور استقرارهای مربوط به دوران مختلف و نیز توالی استقرار در بسیاری از آن‌ها گواه اهمیت منطقه در تأمین نیازهای جوامع پیش‌ازتاریخ و تاریخی است. همچنین شایان ذکر است که معیار نگارندگان در تشخیص دوره‌های استقرار بر مبنای گونه‌شناسی فرمی و نقوش سفال‌های گردآوری شده و

تطبیق یافته‌های حاصل با کاوش‌های دامنه‌دار پروژه گودین در تپه گودین، سه‌گابی و شحن‌آباد و گاهنگاری پیشنهادی شرق زاگرس مرکزی (Henrickson, 1992: 278) بوده است.

مس‌سنگی قدیم

این دوره در بخش غربی زاگرس مرکزی بر اساس اطلاعات حاصل از کاوش‌های تپه سیاه‌بید و چغاماران شناسایی شده است. سفال شاخص این دوره در مناطق غربی زاگرس مرکزی موسوم به سفال جی (J) است (Henrickson, 1983). این مرحله در کنگاور سنت متفاوتی را نشان می‌دهد که در لایه‌های ۱ تا ۵ تپه سه‌گابی مشخص شده و دوره گودین XI (شحن‌آباد) نام گرفته است. آثار مربوط به مرحله شحن‌آباد شامل سفال‌های ساده و منقوش نخودی با اشکال ساده و فاقد تنوع است. نمونه‌های مشابه این سفال در لایه‌های فوقانی عبدالحسین (Pullar, 1990) و در محوطه‌های ملایر (Howell, 1979) نیز گزارش شده است (Levine & Young, 1987: 17). در بررسی حوضه گاورد استقرار از دوره مس‌سنگی قدیم یافت نشد. اما پیش‌تر حیدریان (حیدریان، ۱۳۸۸: ۱۵۶۰) محوطه‌های (018)، (025) و (026) را مربوط به این دوره معرفی نموده است (شکل ۳ و شکل رنگی ۱). در مجموع بر مبنای بررسی و بازدیدهای اخیر منطقه مواد نمونه‌برداری شده با مواد فرهنگی شاخص این دوره، هیچ مدرکی که نشان از وجود زیست‌گاهی از این دوره در این دشت باشد، بدست نیامد.

دوره مس‌سنگی میانی

پیچیدگی و تنوع داده‌های دوره میانی مس‌سنگی سبب شده که این دوره خود به سه مرحله قدیم، میانی و جدید تقسیم شود (Henrickson, 1992). از این دوره استقرارها در بخش‌های مختلف زاگرس گسترش یافته‌اند که این موضوع بخش شرقی زاگرس مرکزی را نیز شامل می‌شود. دوره مس‌سنگی میانی شامل فازهای مختلف گودین X، XI، VIII است که به ترتیب از قدیم به جدید تحت عنوان دالما، سه‌گابی و طاهرآباد نام‌گذاری شده‌اند (Levine & Young, 1986). در دره کنگاور سفال‌های دالما از لایه‌های تحتانی تپه سه‌گابی B بدست

نمونه‌های (شکل ۴: ۸، ۹، ۱۱ و ۱۹) قابل مقایسه با سفال سه گابی (Hamlin, 1975: 77; Henrickson, 1985: 77)، تپه دالما (Young, 1969: 67, fig. 10: 2, c) (125, fig. 8: c)، سه گابی (Young, 1969: 67, fig. 10: 2, c)، پشتکوه لرستان (3, 8-10 Goff, 1971: 138, fig. 3: 32)، و سیاه‌بید (33, 35, 36, 45 Levine & Young, 1986: 31, fig. 13) گزارش شده است.

سفال منقوش رگه‌رگه نیز دارای خمیره نخودی، تمپر گیاهی و پخت نامناسب است. نقش‌های این گونه سفالی متراکم و انبوه بوده و دارای رگه‌های متمایز و اشکال بدون الگوی واقعی با رنگ قرمز هستند. این سفال‌ها دارای پوشش گلی غلیظ قرمز و قهوه‌ای تیره بوده و نقوش آن‌ها بر روی سطح بیرونی و داخل ظروف دیده می‌شود. اما بیش‌ترین نقش‌ها بر روی سطح بیرونی ظروف دیده می‌شود (Levin, 1974: 3). نمونه‌های (شکل ۴: ۷، ۱۲-۱۸) از نظر فرم ظرف و نقوش با لایه‌های پایینی تپه B سه گابی (Young & Levine, 1974: 65, fig. 9: 11) و ظروف منقوش تپه دالما در آذربایجان (Hamlin, 1975: 122, fig. 4-5) مطابقت دارند. در دشت گاورود در ۱۰ محوطه سفال شاخص فرهنگ دالما (نیشگون، تک رنگ و رگه‌رگه) بدست آمد و در برخی محوطه‌ها مانند (02)، (021) و (022) سفال با پوشش قرمز رنگ و شاموت شنی یافت شد، این گونه سفال‌ها توسط هنریکسون به نام پوشش ROB خوانده شده است (Henrickson, 1985). در محوطه 022 سفال‌های منقوش فشرده نیز شناسایی شده است (حیدریان، ۱۳۸۸: ۷۲۷). از سفال‌های نادر این فاز در منطقه مورد مطالعه، سفال منقوش سیاه بر روی زمینه نخودی (BOB) و دالمای منقوش است که دارای نقش سیاه یا قهوه‌ای با نقش مایه‌های هندسی خطی است و تاثیرپذیری از سنت سفالی بین‌النهرین (فرهنگ عبید) را نشان می‌دهد (Henrickson, 1986: 87-133). هنریکسون این گونه سفال را با ظروف منقوش سیاه روی نخودی به دست آمده از لایه‌های استقرار مس سنگی قدیم و میانی، در سیاه‌بید و چغاماران مرتبط می‌داند (Henrickson, 1985: 73). در بررسی دشت گاورود این گونه سفالی در محوطه قل قله (023) بدست آمد (شکل ۴: ۱۰). پیش‌تر این گونه سفالی در

آمده است (Young, 1966: 38-39; Henrickson & Vitali, 1987: 2). همه سفال‌های دالما دست‌سازند و دارای آمیزه گیاهی بوده و خمیره آن‌ها دارای ناخالصی شن است، مغز سفال‌ها خاکستری و سطح آن‌ها ناهموار هستند. پوشش غلیظ این سفال‌ها در طیفی از قرمز تا قهوه‌ای تیره است اما طیفی از نخودی-کرم تا قرمز و ارغوانی نیز دیده می‌شود (Young & Levin, 1974: 2; Henrickson, 1983: 190). در دشت گاورود هر دو نوع سفال دالما (تصاویر ۱ و ۲ و تصاویر رنگی ۱ و ۲، شکل ۴) در محوطه‌های (01، 05، 023، 025 و 026) شناسایی شد اما در بیش‌تر محوطه‌ها یک گونه سفال فرهنگ دالمایی بدست آمد. سفال‌های مس سنگی میانی بدست آمده شامل گونه سفالی منقوش فشاری^۱، منقوش تک‌رنگ^۲ و دورنگ^۳ و منقوش رگه‌رگه^۴ است. نقوش منقوش فشرده را نقش‌های ناخنی کنده، انگشتی فرورفته در فاز سه گابی (مرحله پس از دالما) و کنده قطره‌ای شکل تشکیل می‌دهند. تزئین بصورت کنده قطره‌ای شکل احتمالاً بعد از ساخت سفال و قبل از خشک شدن کامل سطح بیرونی سفال و با استفاده از شیئی نوک‌تیز مانند استخوان یا چوب حاصل شده است. اغلب این گونه سفال‌ها دارای خمیره نخودی، شاموت گیاهی، دارای ضخامت زیاد در بدنه و بیش‌تر ظروف دارای دهانه عمودی هستند (شکل ۴: ۱-۶). این گونه سفال‌ها از نظر نقش قابل مقایسه با سفال‌های منقوش فشرده در تپه دالما (Hamlin, 1975: 125, fig. 8: c)، سه گابی (Young, 1969: 67, fig. 10: 2, 3, 8-10)، پشتکوه لرستان (35 Goff, 1971: 138, fig. 3: 35) و سیاه‌بید (Young & Levin, 1974: 31, fig. 13) است.

سفال منقوش تک‌رنگ و دورنگ معمولاً سفالین‌های پوک (سبک) با آمیزه کاه و مواد آلی در ابعاد درشت و از نظر تکنیک ساخت همگی دست‌سازند که دارای سطح مات (کدر) و با لعاب گلی غلیظ قرمز رنگ بوده و گاهی اوقات به رنگ کرم در آمده‌اند. ظروف اغلب به شکل‌های دهانه باز، دهانه عمودی و ظروف نیم‌کروی و به رنگ قهوه‌ای ساخته شده‌اند.

1-Impressed Dalma
2-Monochorom
3-Bichorom
4-Streaky

تحت عنوان حسین آباد و گودین VI تحت عنوان چشمه‌نوش تقسیم می‌شود. لازم به ذکر است که در طی دوره گودین VI و V به صورت همزمان حضور فرهنگ اروک در گودین تپه و برخی از محوطه‌های شرقی زاگرس مرکزی گزارش شده است (ویت و دایسون، ۱۳۸۲؛ Levine & Young, 1986).

سفال‌های این دوره دشت گاورود در دو گروه جای می‌گیرند: الف) سفال‌های خشن: خمیره این سفال‌ها دارای ناخالصی ذرات شن و آمیزه این نوع سفال گیاهی است. الیاف گیاهان، کاه یا سبزیجات خرده شده در قطعات بلند در خمیره سفال به وضوح دیده می‌شود. ضخامت سفال نسبتاً زیاد و دیواره‌ها یکنواخت نیست. این سفال‌ها در حرارت کم پخته شدند و به همین علت مغز سفال اغلب تیره و دودزده است.

ب) سفال‌های ظریف: دارای شاموت گیاهی با الیاف کوتاه‌تری هستند، که به سختی دیده می‌شوند و معمولاً در حرارت مناسبی پخته شده‌اند و مغز سفال یک دست است. نمونه‌های سفالی شاخص این دوره که در (تصاویر ۳ و ۴ و تصاویر رنگی ۳ و ۴) نشان داده شده از ۲۵ محوطه بدست آمده است. کاسه‌های نیم‌کروی (شکل ۶: نمونه‌های ۶، ۷ و ۹)، کاسه‌های کوچک دارای پوشش قرمز رنگ و با تزئینات کنده ریز (شکل ۶: ۱۰) که از نظر فرم بدنه و لبه قابل مقایسه با سه گابی (7: Levine & Young, 1986: 35, fig. 17) است، سفال نخودی با نقوش سیاه و قهوه‌ای رنگ (شکل ۶: ۱۲)، کوزه‌های دهانه‌تنگ (ش ۶: ۱۱)، سفال‌های نخودی و قرمز لبه برگشته (شکل ۶: ۱) با لعاب گلی قرمز و کرم با آمیزه کاه، (که تحت عنوان ظروف S شکل از آن‌ها یاد می‌شود و در گروه‌های مس‌سنگی جدید (Young, 1969) قرار می‌گیرند، سفال با خمیره نخودی و لعاب غلیظ کرم رنگ و آمیزه کاه و نقوش قهوه‌ای رنگ بر روی بدنه ظرف (شکل ۶: طرح ۱۲) و ظروف با لبه استوانه‌ای و پوشش غلیظ قرمز رنگ (شکل ۶: ۶) از گونه‌های رایج این دوره هستند.

محوطه‌های خدایی (حیدریان ۱۳۸۳: ۹۷) و نادعلی‌بیگ (حیدریان، ۱۳۸۸: ۱۰۷۰) در دشت سنقر گزارش شده بود. توسعه روزافزون کوچ‌گری و رمه‌داری در دوره مس‌سنگی (Henrickson, 1985; Abdi, 2003) و پیشرفت و گسترده‌گی فرهنگ‌های موجود در جنوب غربی ایران و بین‌النهرین منجر به افزایش ارتباط ساکنان مناطق مرتفع با مناطق پست شده است. احتمالاً حضور قوی‌تر فرهنگ‌های سفالی دشت گنگاور نسبت به دشت سنقر، نفوذ این گونه سفالی را به سمت نواحی پیرامون دشت گنگاور هموار کرده است. و شاید نوعی رقابت در نواحی پیرامون فرهنگ‌های سفالی قوی‌تر و شکوفاتر شکل گرفته باشد. با این وجود ارتباط دوگانه دشت سنقر با دشت گنگاور و ماهیدشت، امتیازات بالقوه‌ای را در تأمین نیازهای جوامع این منطقه فراهم می‌آورد. این امتیازها عبارتند: ۱- سیمای طبیعی سرزمین در منطقه مورد مطالعه که امکان تعامل جوامع دامدار و کشاورز را فراهم می‌آورد، ۲- منابع آبی فراوان در کنار مراتع جهت استفاده دامداران و منابع آبی رودخانه‌ای در کنار زمین‌های آبیگر دشت و ۳- نزدیک بودن به دشت گنگاور و راه‌های ارتباطی مهم. گونه سفالی دیگری که در این دشت بدست آمد، سفال خشن شبیه سینی‌های پوست‌کنی^۱ در دو محوطه (04) و (015) بود که دارای خمیره دودزده، آمیزه گیاهی و پخت نامناسب و ساخت خشن است که قسمت درونی آن به صورت شیاردار است (شکل ۵). این گونه سفالی در دوره مس‌سنگی میانی در محوطه‌های شرق زاگرس در محوطه قشلاق چل امیران (مترجم، ۱۳۸۸)، حوضه آبیگر سد تالوار (وحدتی‌نسب و حیدریان، ۱۳۸۸)، دشت کبودر آهنگ همدان (نظری ارشد، ۱۳۸۴)، بیجار و قروه (ساعد موچشی، ۱۳۹۰)، حوضه آبریز ابهرود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸؛ Alibaigi et al., 2012)، زنجان (عالی، ۱۳۸۷) و سهاچای تپه زنجان (رحیمی سرخنی، ۱۳۸۷) نیز بدست آمده است.

مس‌سنگی جدید

این دوره در شرق زاگرس مرکزی در تپه‌های سه‌گابی، گودین و گیان شناسایی شده است و خود به دو زیر دوره گودین VII

1- Husking Tray

استقرارهاست و دومین ویژگی رابطه فضایی بین استقرارهاست (Sumner, 1972). در هزاره پنجم تغییری در الگوی استقراری در حوضه گاورود حاصل می‌شود. سه محوطه (025، 026) و 018) که حیدریان از آن‌ها به عنوان دوره مس سنگی قدیم نام می‌برد (حیدریان، ۱۳۸۸: ۱۵۶۰) در ارتفاع بالای ۱۹۰۰ متری و در ناحیه شمال غربی دشت واقع شده‌اند (شکل ۳). دو محوطه در کنار چشمه و یک محوطه در کنار شاخه رودخانه قرار دارند که وابستگی مستقیمی به منابع آبی داشته‌اند. هر سه محوطه کم‌تر از یک هکتار وسعت دارند و دو محوطه (026 و 018) در فاصله ۲ کیلومتری همدیگر قرار دارند که می‌تواند دلیلی بر ارتباط آن‌ها با یکدیگر باشد. تخمین مساحت این دوره در دشت دشوار است. اما طبق گزارشات پیشین، مساحت استقرارهای این دوره در دشت ۲/۴ هکتار است. در این دوره ویژگی ارتفاع محوطه‌ها از سطح دریا، نقش مهم شکار و گردآوری غذا را در معیشت مردمان در مقایسه با کشاورزی و دامداری نشان می‌دهد (شکل ۳). احتمالاً دلیل کوچک بودن استقرارها در این منطقه را می‌توان با موقت بودن استقرار و تامین بخشی از مایحتاج روزمره زندگی در ارتفاعات با استفاده از شکار و گردآوری استنباط کرد.

در دوره مس سنگی میانی تعداد استقرارها هم از نظر اندازه و هم از نظر تعداد افزایش چشمگیری می‌یابند و به ۱۹ استقرار می‌رسند. پراکندگی استقرارها در این دوره بطور یکدست تمام دره‌های میان کوهی و دشت را فرا گرفته و پراکنش آن‌ها بدون هیچ نظم و قاعده‌ای بیش‌تر به منابع آبی وابسته بوده است. در منطقه مورد مطالعه کوهستانی بودن و سطوح ناهموار اراضی مجاور رودخانه‌های عبوری از عوامل بازدارنده زراعت در ارتفاع بالاست. اما در نواحی پست دشت گاورود با توجه شرایط ناهمواری منطقه و شیب مناسب در اراضی پایین دست، شرایط برای رسوب‌گذاری فراهم گشته و امکان زراعت به صورت آبی حاصل می‌گردد. با توجه به نحوه مکان‌گزینی استقرارها احتمالاً در این دوره نوعی تغییر سیستم معیشت حادث می‌گردد به طوریکه علی‌رغم گسترش استقرارها در ارتفاعات، زندگی در مرکز دشت و در کنار رودخانه نیز شکل گرفته که احتمالاً می‌تواند نشانه‌ای از رواج سیستم معیشت به طرف کشاورزی

محیطی، تعدادی از متغیرها و عوامل تأثیرگذار شامل موقعیت مکانی محوطه‌ها نسبت به منابع آبی، موقعیت محوطه‌ها نسبت به همدیگر، ارتفاع، وسعت محوطه‌ها و شیب که نقش مهمی در شکل‌گیری استقرارها داشته‌اند مورد سنجش قرار گرفتند (جدول ۱ و شکل ۲). در منطقه مورد مطالعه تمامی محوطه‌های شکل گرفته به منابع تأمین‌کننده آب شامل رودخانه گاورود، شاخه‌های آن و چشمه‌هایی که در سرچشمه شاخه‌های آن قرار دارند، وابسته بوده است. بدین ترتیب منابع آبی بر نحوه شکل‌گیری، مکان‌گزینی، حجم و میزان گسترش آن‌ها و نیز دوره توالی آثار نسبت به دیگر فاکتورها نقشی اساسی داشته و مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری الگوی استقراری منطقه است. اما علاوه بر متغیرهای یاد شده، می‌توان به انتخاب و نقش جوامع انسانی و همچنین منابع گیاهی، وضعیت آب و هوا و حتی کیفیت خاک منطقه اشاره کرد. به طور کلی منطقه مورد مطالعه ناحیه‌ای کوهستانی است به همین دلیل، شکل‌گیری استقرارها متناسب با دره‌های میان کوهی است. این الگوی پراکندگی در مورد روستاهای جدید نیز صادق بوده و تداوم تأثیر عوامل زیست‌محیطی و دسترسی به منابع طبیعی بر نحوه شکل‌گیری استقرارها مشهود است.

الگوی استقرار

تراکم استقرارها، پراکندگی فضایی در یک ناحیه و ارزیابی آن در توالی فرهنگ‌های پیش از تاریخ از جمله مؤلفه‌هایی است که برای ارزیابی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های محیط زیست به کار گرفته می‌شوند (طلایی، ۱۳۸۸: ۱۷). پراکندگی استقرارگاه‌ها در دوره پیش از تاریخ تعداد استقرارها و تراکم جمعیت را در هر دوره نشان می‌دهد. در این بین الگوهای استقراری به دو ویژگی بنیادی توجه دارند، اولین ویژگی آن ساختار فضایی

۱- در این موضوع نظرات مهمی بیان شده که وایتلا (Whitelaw, 1983) با اشاره به این مساله، معتقد است که دوری و نزدیکی استقرارها فواصل اجتماعی را نشان می‌دهد و اینکه مردم چقدر از نظر اجتماعی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند و همچنین رایبیز (Robbins, 1966) ارتباط مکان‌های باستانی و بعد مسافت آن‌ها را نوع بخصوصی از ساختار اجتماعی بیان می‌کند. جدول ۱ به خوبی این مسدله را روشن می‌کند.

تداوم استقرار از دوره قبل به این دوره دیده می‌شود. تنها یک محوطه 028 در مجاورت مرکز دشت، در کنار جویباری که آب آن از چشمه‌ای در قسمت شمالی محوطه سرچشمه گرفته، شکل گرفته است، الگوی ثابت تمامی این زیست‌گاه‌ها نزدیکی به منابع آبی شیرین و دائمی است که این خود نوعی وابستگی معیشتی به تولیدات کشاورزی را نشان می‌دهد. در دوره مس‌سنگی جدید روند استقرار و استفاده از منابع همانند دوره پیشین است و به طور کل بر اساس داده‌های سفالی در ۱۵ محوطه شواهدی از تداوم استقرار از دوره مس‌سنگی میانی به مس‌سنگی جدید دیده می‌شود (شکل ۳). محوطه‌های 015 و 021 بزرگ‌ترین محوطه‌های مس‌سنگی جدید دشت هستند که در آن‌ها تداوم استقرار از دوره قبل به این دوره دیده می‌شود. در این دوره محوطه‌های جدید و کوچکی در دره‌ها و ارتفاع بالا شکل گرفته‌اند که این افزایش استقرار حاکی از انطباق تدریجی با محیط زیست و تکامل زیست‌گاه‌های دوره قبل را در طول زمان نشان می‌دهد. در این دوره استقرارهای بزرگ‌تر در دشت را مشاهده می‌کنیم که در مجاورت آن‌ها استقرارهای کوچک قرار دارند، این مهم احتمالاً نشانگر یک سلسله‌مراتب استقراری است که نوعی گرایش به فن تخصصی در برخی تولیدات مورد نیاز جوامع را نشان می‌دهد که آگاهی از آن تنها با انجام کاوش باستان‌شناسی در محوطه‌های پیرامون محوطه اصلی امکان پذیر خواهد بود. زاگارل در منطقه جنوبی زاگرس به موارد مشابه این الگو اشاره داشته است (Zagarell, 1982). در واقع الگوی مطلوب مکان‌گزینی در دوره مس‌سنگی جدید بیشتر حرکت به مناطق مرتفع‌تر جهت دستیابی به منابع مطلوب‌تر و منطبق با نیازهای انسانی و دام‌ها است.

برآیند

در بستر محیط عواملی باعث جابجایی و تغییرات در الگوی استقراری یک منطقه می‌گردد اما این فرایند می‌تواند خود موجب تغییرات در سیستم معیشت و دسترسی به منابع بهتر را برای جوامع فراهم آورد. در حوضه رودخانه گاورد سنقر که بخشی از حوضه شرق زاگرس مرکزی محسوب می‌گردد تاکنون یک زیست‌گاه (05) از دوران نوسنگی گزارش شده

باشد. در منطقه مورد مطالعه در این دوره هشت محوطه در مرکز دشت شکل گرفته‌اند، که شش مورد از آن‌ها در ارتفاع ۱۶۰۰ متری قرار دارند و در فاصله‌های ۲ یا ۳ کیلومتری نزدیک به همدیگر قرار دارند. محوطه‌های دیگر که اغلب کوچک هستند در اطراف محوطه‌های بزرگ‌تر و در ارتفاع بالاتر شکل گرفته‌اند. این چنین ویژگی‌هایی می‌تواند بیانگر اهمیت روابط جوامع رمه‌گردان و کشاورز، بعد مسافت در رفت و آمد و ساختار اجتماعی بین جوامع مس‌سنگی منطقه باشد. امری که زاگارل بدان اشاره کرده و معتقد است روابط اقتصادی جوامع کوچ‌رو دامدار و کشاورز در مرکز کوه‌های بختیاری در جنوب زاگرس و همزیستی جوامع در ارتفاعات و سطح دشت بیانگر نوعی همبستگی و یکپارچگی بین کوچ‌گران و یکجانشینان در نواحی تحت سیطره کوچ‌گران است (Zagarell, 1975: 127-129). چنین ارتباط چند سویه‌ای نشانگر وابستگی جوامع کوچ‌رو دامدار و کشاورز نسبت به همدیگر است (Zagarell, 1975: 134; Spooner, 1973: 134). مساحت کل استقرارهای این دوره در دشت گاورد حدود ۱۷/۶۶ هکتار بوده و بزرگ‌ترین محوطه‌های این دوره، محوطه‌های 015 و 021 هستند که حدود ۴/۳ هکتار از کل مساحت این دوره در دشت را شامل می‌شوند (شکل ۲). محوطه 021 در مرکز دشت و در فاصله ۱۰۰ متری رودخانه گاورد قرار دارد و محوطه 015 در ارتفاع بالا و در میان زمین‌های با قابلیت کشت دیم شکل گرفته است.

بر اساس داده‌های بدست آمده به نظر می‌رسد در دوره مس‌سنگی جدید تغییرات مهمی روی داده است. بدین ترتیب که استقرارها از نظر تعداد نسبت به دوره قبل افزایش یافته و شمار آن‌ها به ۲۵ محوطه رسیده و به طور میانگین در ارتفاع ۱۸۰۷ متری از سطح دریا قرار گرفته‌اند (شکل ۳). از این رو در این دوره الگوی زیست‌گاهی متفاوتی نسبت به دوره‌های قبل در دشت گاورد شکل گرفته است. درحالی‌که مساحت کل محوطه‌ها در این دوره ۱۵/۷ هکتار است اما نسبت به دوره قبل کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر تنها هفت محوطه در این دوره در مرکز دشت شکل گرفته که پنج محوطه در کنار رودخانه گاورد هستند و در شش محوطه از آن‌ها

منطقه شکل گرفته باشد که نمود عینی تر آن در میان نهشته‌های گودین VI/V گزارش شده است. از ویژگی‌های این سیستم می‌توان به ایجاد مراکز صنعتی و تولیدی در حاشیه برخی مراکز استقراری بزرگ‌تر اشاره نمود. هر چند به علت عدم وجود زیست‌گاه‌هایی با چنین ویژگی‌هایی امکان انتساب این محوطه‌های کوچک‌تر به مراکز تولیدی صنعتی در دشت سنقر بعید به نظر می‌رسد لذا فرض اول محتمل به نظر می‌رسد که زیست‌گاه‌های کوچک در واقع محل اسکان بخشی از جمعیت زیست‌گاه اصلی در فصولی از سال و در ارتباط با فعالیت‌های دامداری بوده است. پیش‌تر بیتس و پلاگک اشاره کرده‌اند که کشاورزی یکجانشین و افزایش تراکم جمعیت به ایجاد یک جامعه پیچیده‌تر می‌انجامد (بیتس و پلاگک، ۱۳۷۵: ۲۱۹). با تکیه بر این شواهد می‌توان افزایش جمعیت و رو آوردن جوامع به مناطق پست دشت گاورد و زمین‌های آبریز در دوره میانی مس سنگی که همزمان با نفوذ فرهنگ دالما و سه‌گابی به این دشت است را متذکر شد.

با توجه به تحلیل متغیرهای زیست‌محیطی، پراکنش استقرارهای دوره مس سنگی دشت گاورد متأثر از الگوهای معیشتی مردمان آن دوره است به طوری که انتخاب محل استقرار تابع شرایط مناسب جوی و آب و هوایی و قابلیت زمین بوده است. لذا در این سیستم دره‌ها و منابع آبی هستند که به چگونگی استقرارگاه‌ها شکل می‌دهند. درواقع چنین تصور می‌شود که هر دره جمعیت ویژه خود را داشتند و استقرارها همیشه به آب‌های شیرین دسترسی داشتند.

در دوره مس سنگی در زاگرس مرکزی همچنان که عبدی (Abdi, 2003) به آن پرداخته، با دو نوع جامعه روبرو می‌شویم، یک جامعه کوچ‌نشین با تکیه بر دامداری و کوچ‌گری و قرارگیری استقرارها در شیب ملایم و زمین‌هایی که لایه خاک دارای عمق کم جهت کشاورزی هستند که کم‌تر مورد توجه یک‌جانشینان قرار گرفته، و دیگری جامعه یک‌جانشین با تکیه بر دامداری و کشاورزی در نواحی هموارتر است. در منطقه مورد مطالعه که در شرق زاگرس مرکزی قرار دارد بیش‌تر استقرارهای مس سنگی دارای نهشته کم، در ارتفاع بالا و در زمین‌های سنگلاخی شکل گرفته‌اند، این امر را می‌توان بیش‌تر با

است و تعداد زیست‌گاه‌های دوره مس سنگی قدیم بسیار محدود گزارش شده‌اند که در تمام دشت کنگاور و اسدآباد فاز شجن آباد یا گودین XI را تنها در یک مکان شامل شده است. عده‌ای از باستان‌شناسان دلیل این امر را ارتفاع بالا و برودت هوا در نیمه شرق زاگرس مرکزی نسبت به بخش غربی آن ذکر کرده‌اند (Young & Levine, 1984) از این منظر همانند دیگر مناطق پیرامونی تراکم استقرار در دشت سنقر حوضه گاورد نیز از دوره مس سنگی میانی با تراکم نسبتاً زیادی گزارش شده است به طوری که مساحت کل زیست‌گاه‌های این دوره در منطقه مورد مطالعه بالغ بر ۱۸ هکتار می‌گردد، این امر نشان‌دهنده افزایش یکباره جمعیت ساکن در این منطقه است. تنها از دوره مس سنگی میانی و در پرتورشد تکنیکی در ساخت خانه‌های مستحکم و مقاوم در برابر سرمای سخت مناطق مرتفع زاگرس امکان جذب جمعیت رو به افزایش در مناطق غربی‌تر زاگرس در این مناطق میسر و مهیا گردید (Levine & McDonald, 1977). در دوره مس سنگی میانی و جدید همجواری استقرارهای کوچک در حاشیه دشت (در ارتفاع بالا) و محوطه‌های بزرگ‌تر در مرکز دشت گاورد در کنار زمین‌های آبریز به خوبی نمایان است (شکل ۲، D). این پدیده از دو منظر قابل توجه است:

الف) از دیدگاه بوم‌شناسی نوعی زندگی کشاورزی با دامداری محدود همواره یکی از الگوهای ثابت معیشتی در دشت‌های میان‌کوهی زاگرس بوده است. در این سیستم مردم ساکن در روستا در ایامی از سال با گله و احشام محدود به صورت فصلی به زیست‌گاه‌های کوچکی در کمربند کوهپایه‌ای و دامنه کوهستان کوچ می‌کنند تا امکان چرای بیش‌تر و بهتر برای دام‌هایشان فراهم گردد. عموماً این استقرارگاه‌ها کوچک بوده و کم‌تر از ۰/۵ هکتار وسعت دارند و پراکندگی آن‌ها نسبت به هم با توجه به غنی بودن مراتع تعیین می‌شود ولی در هر حال دور از هم هستند.

ب) در دوره‌های متاخرتر مس سنگی جدید با توجه با تاثیرات ناشی از روند رشد پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی و همچنین تاثیرات نفوذ اروک در منطقه به نظر می‌رسد نوعی سیستم تخصصی در فرایند تولید و تجارت کالاهای خاص در

کوهپایه‌ای و حاشیه‌ای در ارتباط با امر دامداری بیش‌ترین قابلیت و انطباق را دارند. بنابراین می‌توان به این امر واقف شد که نحوه شکل‌گیری استقرارها در بستر محیط، با سیستم اجتماعی و اقتصادی آن‌ها دارای تأثیرات متقابل و ارتباط تنگاتنگ است، در واقع انسان‌ها در پاسخ به شرایط محیطی عمل می‌کنند و این شرایط زیست‌محیطی است که باعث نظم دادن استقرارها در چگونگی استفاده از منابع و انطباق با آن هستند.

سپاسگزاری

ضروری است که از همکاری‌های صمیمانه آقای داریوش فرمانی مسئول میراث فرهنگی شهرستان سنقر که اجازه بررسی منطقه را دادند، همچنین دکتر محمود حیدریان، محسن احمدی و محسن زینی‌وند تشکر و قدردانی به عمل آید.

جوامع رمه‌دار مستقر در حاشیه دشت با مراتع غنی مرتبط دانست، علاوه بر این در دشت گاورد شاهد استقرار در نزدیکی رودخانه و زمین‌های آبگیر با عمق خاک قابل کشت مناسب هستیم که نشان از آگاهی جوامع و رو آوردن به سوی سیستم معیشت وابسته به کشاورزی است. در نگاهی کلی می‌توان به این امر واقف شد که شکل‌گیری، رشد، توسعه و گسترش استقرارها فرآیندی مرتبط با تغییرات اقلیمی و آب و هوایی است. اگر به نحوه قرارگیری استقرارهای منطقه بنگریم، از لحاظ زیست‌بوم و نحوه استفاده از زمین که جوابگوی نیازهای اقتصادی جوامع باشد نوعی الگوی منظم مشهود است، یعنی شناخت جوامع از زیست‌بوم و وابسته بودن جوامع به عوامل زیست‌محیطی موثر در امرار معاش به گونه‌ای که بدون شک سکنی‌گزینی در مرکز دشت و حاشیه رودخانه‌ها در ارتباط با کشاورزی و زیستگاه‌های

منابع

الف) فارسی

حیدریان، محمود، ۱۳۸۵، معرفی سفال پیش‌تاریخی دشت میان‌کوهی سنقر، بررسی روشمند تپه خدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

بشکنی، امیر، ۱۳۸۸، بررسی غارها و پناه‌گاه‌های سنگی شهرستان سنقر و کلیایی، مرکز اسناداداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۸، بازنگری، بررسی شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان سنقر و کلیایی، جلد اول و دوم، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

_____، مژگان جایز، مریم دهقان و یدالله حیدری، ۱۳۸۸، «غار بهلول: استقرار نویافته پارینه‌سنگی در دشت کلیایی، استان کرمانشاه»، مجله باستان‌پژوه، نشریه علمی انجمن دانشجویی باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸، صص: ۲۴-۳۳.

خسروی، شکوه، حمید خطیب شهیدی و سجاد علی‌بیگی، ۱۳۸۸، «حوضه آبریز ابهرود در دوره مس‌سنگی: مروری بر استقرارهای دالمایی حاشیه شمالی غربی مرکز فلات ایران»، پیام باستان‌شناس، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم، صص: ۳۷-۵۲.

حریریان، حمید، ۱۳۹۰، پراکنش استقرارگاه‌ها از دوره مس‌سنگی تا پایان عصر مفرغ در حوضه رودخانه گاورد سنقر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

رحیمی سرخنی، رقیه، ۱۳۸۷، گاهنگاری نسبی و مطلق محوطه پیش‌تاریخی سهاچای تپه در استان زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

حیدریان، محمود، ۱۳۸۳، بازنگری، بررسی شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان سنقر و کلیایی، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مرادی، یوسف، ۱۳۸۰، کاوش تپه جنانی شهرستان سنقر و کلیایی، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

معصومی، غلامرضا، ۱۳۸۳، تاریخچه علم باستان‌شناسی در ایران، تهران: انتشارات سمت.

مویدی، کیومرث، ۱۳۸۸، سنقر در گنبدزار کلیایی، کرمانشاه: انتشارات پرتو واقعه.

نظری ارشد، رضا، ۱۳۸۴، بررسی باستان‌شناسی دشت کبودر آهنگ، فصل یکم و دوم، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

وحدتی‌نسب، حامد و محمود حیدریان، ۱۳۸۸، «گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد تالوار (بیجار)»، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم، ۶۸-۵۳.

Abdi, K., 2002, *Strategies of Herding: Pastoralism in the Middle Chalcolithic Period of the West Central Zagros Mountains*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, The University of Michigan.

—————, 2003, "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4, pp. 395-448.

Alibaigi, S., Khosravi, S., & Aali, A., 2012, "Early Village and Prehistoric Sites in Abharroud Basin, NW Iran", *Documenta prehistorica*, Vol. 39, pp. 459-472.

Goff, C.L., 1971, "Lūristān before the Iron Age", *IRAN*, Vol. IX, pp. 131-152.

Hamlin, C., 1975, "Dalma Tepe", *IRAN*, Vol. XIII, pp. 111-128.

ساعد موجشی، امیر، ۱۳۹۰، بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های دوره مس‌سنگی شرق استان کردستان (حوزه آبگیر رودخانه قزل اوزن)، پایان‌نامه دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

طلایی، حسن، ۱۳۸۸، عصر مفرغ ایران، انتشارات سمت.

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۷، کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی پشت سد گلابرزنجان، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).

فاگان، برایان، ۱۳۸۲، درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روشها)، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: انتشارات سمت.

مترجم، عباس، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل الگوهای استقرار دوره مفرغ قدیم در دشت‌های پیرامون کوهستان الوند همدان، پایان‌نامه دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

—————، ۱۳۸۸، محوطه قشلاق چل امیران سد تالوار، مرکز

(ب) غیرفارسی

Henrickson, E.F., 1983, *Ceramic Styles and Cultural Interaction in the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros, Iran*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto.

—————, 1985, "An Updated Chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, Western Iran, *IRAN*, Vol. 23, pp. 63-108.

—————, 1986, "Ceramic Evidence for Cultural Interaction between Chalcolithic Mesopotamia and Western Iran", In: *Technology and Style, Ceramics and Civilization II*, Kingery, W.D., (ed.), American Ceramic Society, Columbus, pp. 87-133.

—————, 1992, "The Chalcolithic Period in the Zagros Highlands", In: *Encyclopedia Iranica*, Yarshater, E., (ed.), Mazda Press, pp. 278-282.

Henrickson, E.F., & Vidali, V., 1987, "The Dalma Tradition: Prehistoric Interregional Cultural Integration in Highland of Western Iran", *Paléorient*, pp. 37-46.

Howell, R., 1979, "Survey of the Malayer Plain", *IRAN*, XVII, pp. 156-157.

Levine, L.D., 1974, The excavation at SHE GABI. proceedings of the IIRD Annual symposium on Iran – Tehran, pp. 31-44.

—————, & McDonald, M.M.A., 1977, "The Neolithic and Chalcolithic Periods in Mahidasht", *IRAN*, Vol. XV, pp. 39-50.

—————, & Young, T.C.Jr., 1986, "A Summary of The Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C.", *Colloquies Internationaux CNRS Prehistoire de la Mesopotamie 17-18-19 December 1984*, 17 Editions due CNRS: Paris, pp. 15-53.

Pullar, J., 1990, *Tepe Abdulhosein, a Neolithic Site in Western Iran Excavations*, B.A.R, International series 563, England.

Robbins, M.C., 1966, "House Types and Settlement Patterns: An Application of Ethnology to Archaeological Interpretation", *Minnesota Archaeologist*, Vol. 28, pp. 3-26.

Smite, E., 2009, *Environmental and Ecological Studies in Anthropology*, Encyclopedia Britannica.

Spooner, B., 1973, *The Cultural Ecology of Pastoral Nomads*, Addison-Wesley Module Reprint from Anthropology. No. 45.

Sumner, W.M., 1972, *Culture Development in the Kur River Basin, Iran; An Archaeological Analysis of Settlement Patterns*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Pennsylvania.

Whitelaw, T.M., 1983, "People and Space in Hunter Gatherer Camps: An Approach in Ethnoarchaeology", *Archaeological Review from Cambridge 2*, pp: 48-66.

Young, T.C.Jr., 1966, "Survey in Western Iran, 1961", *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 25, pp. 228-239.

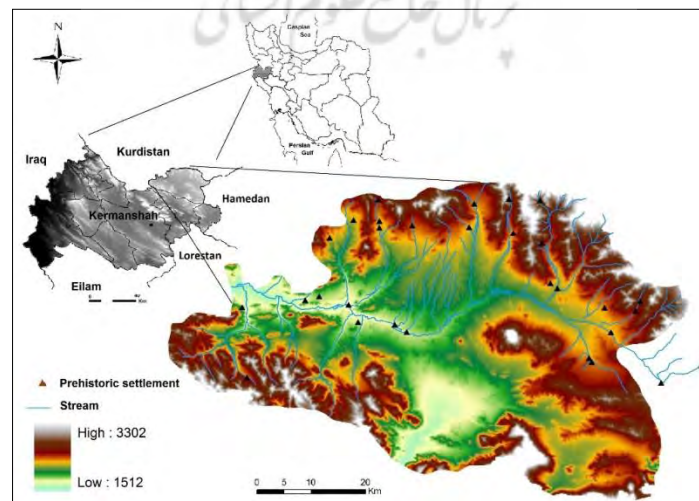
—————, 1969, *Excavations at Godin Tepe, first progress Report*, Toronto: Royal Ontario Museum.

————— & Levine, L.D., 1974, *Excavations at Godin Tepe, Second progress Report*, Toronto: Royal Ontario Museum.

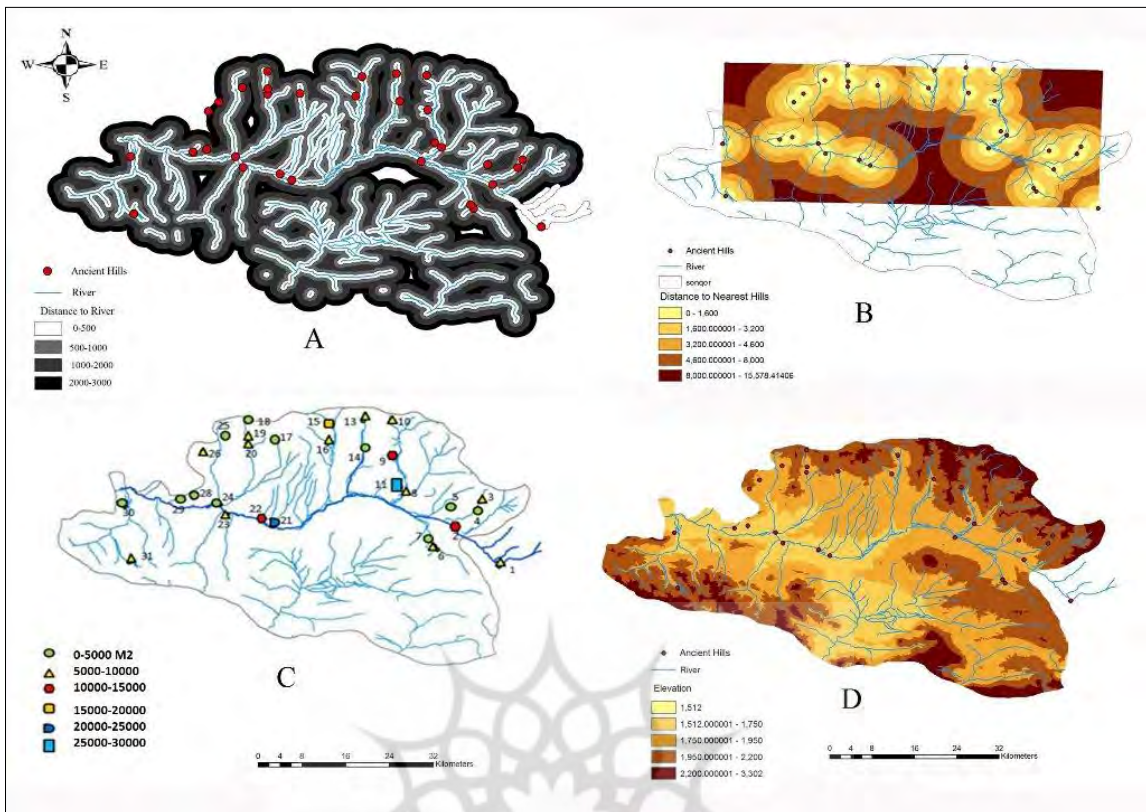
Zagarell, A., 1975, "Nomad and Settled in the Bakhtiari Mountains", *Sociologus*, Vol. 25, pp. 127-138.

—————, 1982, The Prehistory of the Northeast Bakhtiari Mountain, Iran, *Beihefte Zum Tübinger Atlas des Vorderen Orientes No 42*, Wiesbaden: Reichert.

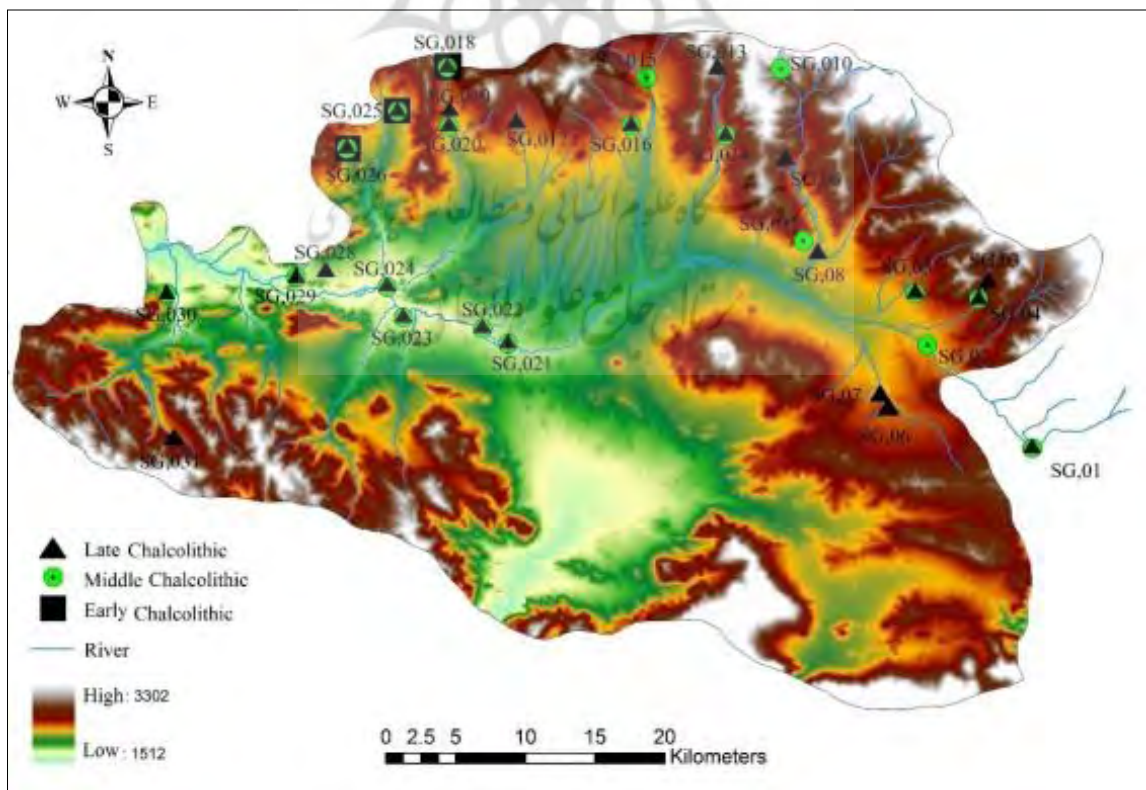
تصاویر



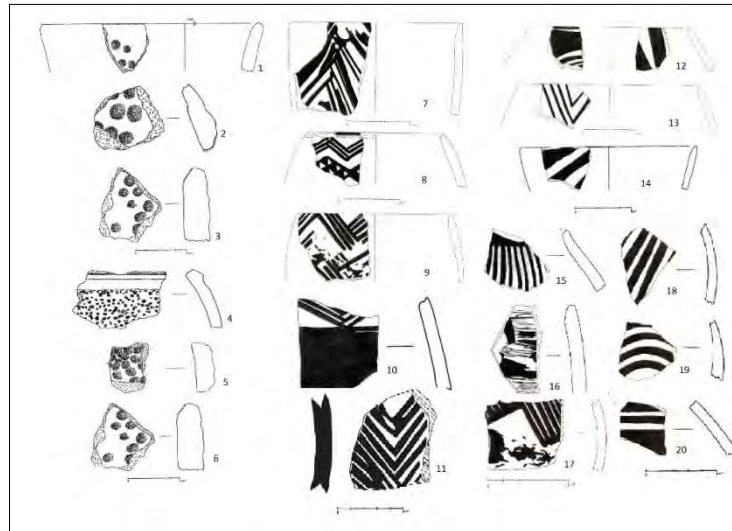
شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه و پراکندگی استقرارهای مس سنگی سنقر و کلیایی (نگارندگان)



شکل ۲: موقعیت مکانی محوطه‌ها نسبت به فاکتورهای زیست محیطی (نگارندگان)



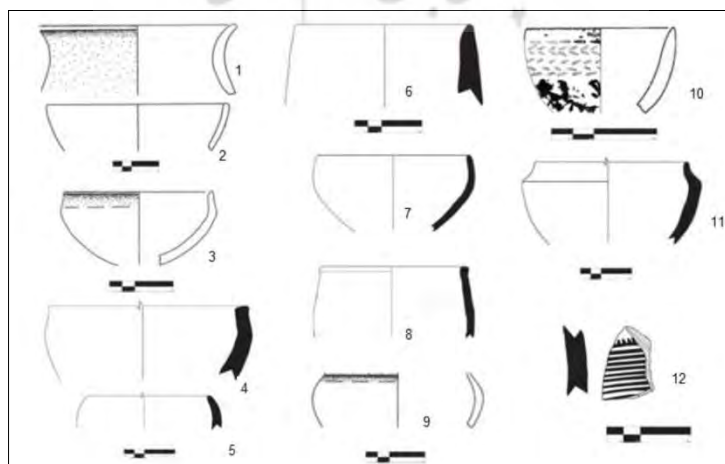
شکل ۳: پراکندگی استقرارهای مس سنگی دشت گاورد سنقر و کلیایی (نگارندگان)



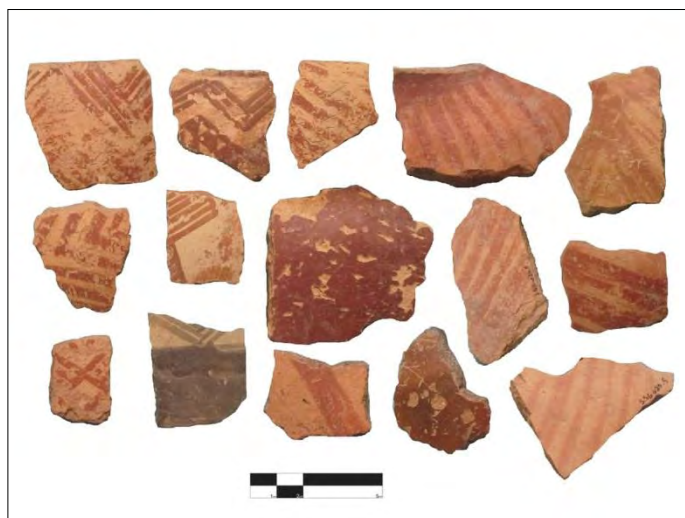
شکل ۴: سفال‌های مس‌سنگی میانی حوضه رودخانه گاورود (نگارندگان)



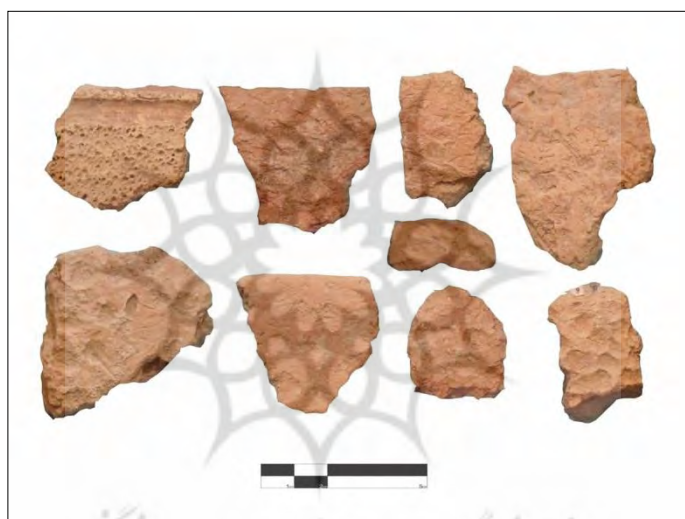
شکل ۵: سفال‌های مس‌سنگی میانی حوضه رودخانه گاورود (نگارندگان)



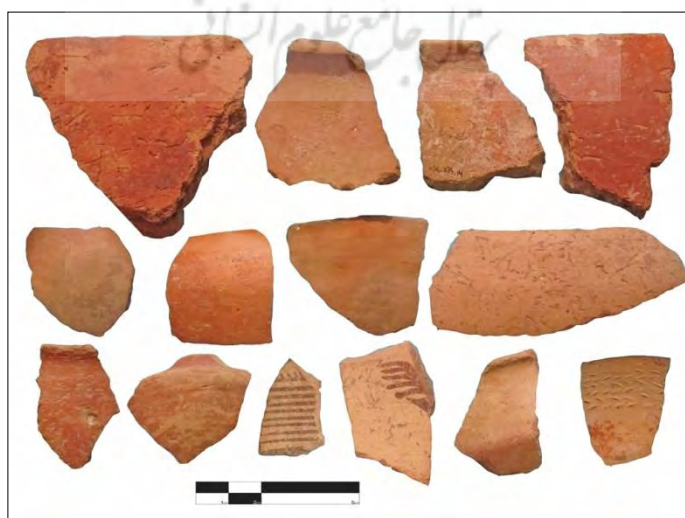
شکل ۶: سفال‌های مس‌سنگی جدید حوضه رودخانه گاورود (نگارندگان)



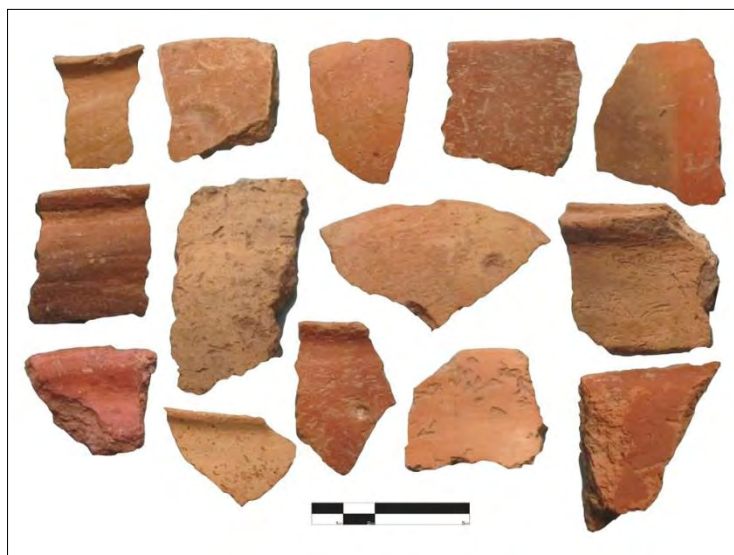
تصویر ۱: سفال‌های مس سنگی میانی (فرهنگ دالما) حوضه رودخانه گاورد (نگارندگان)



تصویر ۲: سفال‌های مس سنگی میانی (فرهنگ دالما) حوضه رودخانه گاورد (نگارندگان)



تصویر ۳: سفال‌های مس سنگی جدید حوضه رودخانه گاورد (نگارندگان)



تصویر ۴: سفال‌های مس‌سنکی جدید حوضه رودخانه گاورد (نگارندگان)

جدول ۱: نحوه قرارگیری محوطه‌ها با فاکتورهای مورد مطالعه

ارتفاع	تعداد نقاط	مس و سنکی قدیم	مس و سنکی میانی	مس و سنکی جدید	میانگین کل
ارتفاع ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۰ متر	۷	-	۷	۷	۲۴/۱۳ درصد
ارتفاع ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ متر	۱۵	۲	۸	۸	۵۱/۷۲ درصد
ارتفاع ۱۹۵۰ تا ۲۲۰۰ متر	۷	۱	۴	۹	۲۴/۱۳ درصد
موقعیت محوطه‌ها نسبت به منابع آب تا ۵۰۰ متری	۲۹	۳	۱۹	۲۵	۱۰۰ درصد
موقعیت محوطه‌ها نسبت به همدیگر					
فاصله ۰ تا ۱۶۰۰ متری	۱۲	-	۲	۸	۴۱/۳۷ درصد
فاصله ۱۶۰۰ تا ۳۲۰۰ متری	۱۱	۲	۱۱	۱۳	۳۷/۹۳ درصد
فاصله ۳۲۰۰ تا ۴۶۰۰ متری	۵	-	۳	۱	۱۷/۲۴ درصد
فاصله ۴۶۰۰ تا ۸۰۰۰ متری	۳	۱	۳	۳	۱۰/۳۴ درصد
وسعت محوطه‌ها					
وسعت تا ۵۰۰۰ متر مربع	۱۱	۲	۹	۱۱	۳۷/۹۳ درصد
وسعت از ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ متر مربع	۱۲	۱	۶	۱۱	۴۱/۳۷ درصد
وسعت از ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ متر مربع	۳	-	۲	۱	۱۰/۳۴ درصد
وسعت ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ متر مربع	۳	-	۲	۲	۱۰/۳۴ درصد
شیب					
شیب ۰ تا ۱۰ درجه	۱۹	۱	۱۳	۸	۶۵/۵۱ درصد
شیب ۱۰-۲۰ درجه	۶	۱	۳	۷	۲۰/۶۸ درصد
شیب ۲۰-۳۰ درجه	۶	۱	۳	۱۰	۲۰/۶۸ درصد

جدول ۲: محوطه‌های مس سنگی حوضه رودخانه گاورد

ردیف	نام محوطه	ارتفاع از سطح دریا (M)	ارتفاع زیستگاه (M)	مساحت (M ²)	مس و سنگ قدیم	مس و سنگ میانی	مس و سنگ جدید	دوره مفرغ
۱	چنگیز (SG, 01)	1983	7/10	7875	*	*	*	*
۲	علی بگ (SG, 02)	1885	8/80	13860	*	*	*	*
۳	کرسوان (SG, 03)	2010	6	5200	*	*	*	*
۴	گبری (SG, 04)	2039	2/30	2585	*	*	*	*
۵	شیخ جلیل (SG, 05)	2010	2/40	2961	*	*	*	*
۶	سیاه کمر (SG, 06)	1977	50	6750	*	*	*	*
۷	سیاه کمر (SG, 07)	1960	8	1200	*	*	*	*
۸	گرده (SG, 08)	1867	9/80	5780	*	*	*	*
۹	جاجنگ (SG, 09)	1928	12	13500	*	*	*	*
۱۰	مناچال (SG, 010)	2192	2	8910	*	*	*	*
۱۱	صفر ترک (SG, 011)	1905	7	28685	* * * * *	* * * * *	* * * * *	*
۱۲	قرق حیدر (SG, 013)	2067	2	6175	*	*	*	*
۱۳	کرد مزرع (SG, 014)	1966	11/80	1254	*	*	*	*
۱۴	آسیاب (SG, 015)	1944	5/80	19500	*	*	*	*
۱۵	خاکی (SG, 016)	1924	12/20	8360	*	*	*	*
۱۶	گرگین دره (SG, 017)	2043	5	4875	*	*	*	*
۱۷	جانقلی (SG, 018)	2004	5/30	4800	* * * * *	* * * * *	* * * * *	*
۱۸	کلک (SG, 019)	1890	4	6600	*	*	*	*
۱۹	سنگ چخماق (SG, 020)	1881	5	8250	*	*	*	*
۲۰	ده شیخ (SG, 022)	1712	12/50	22308	*	*	*	*
۲۱	خرابه ها (SG, 021)	1681	3/20	12000	*	*	*	*
۲۲	قل قله (SG, 023)	1674	2	8400	*	*	*	*
۲۳	آگاه (SG, 024)	1654	9/50-5/60	2565	*	*	*	*
۲۴	ورز (SG, 025)	1857	3	4500	* * * * *	* * * * *	* * * * *	*
۲۵	کلک جار (SG, 026)	1822	2	9500	* * * * *	* * * * *	* * * * *	*
۲۶	پارچه طرخان (SG, 028)	1735	30 cm	4125	*	*	*	*
۲۷	سمنیان (SG, 029)	1667	2/80	567	*	*	*	*
۲۸	ویژه (SG, 030)	1655	30/4	4731	*	*	*	*
۲۹	چرخابی (SG, 031)	2044	45/5	6000	*	*	*	*